

Components of Professional Ethics from the Perspective of the Works of the Muhtasibs of the Abbasid Era (Case Study: Clothing Industry)

Sadighe Ghasempoor¹  Sholrollah khakrand²  Ma'soume Dehghan³ 

1. Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University Iran.

E-mail: s.ghasempoor257@gmail.com

2. Department of History, Faculty of Humanities, Shiraz University, Iran.

E-mail: khakrand@shirazu.ac.ir

3. Department of History, Faculty of Humanities, Shiraz University, Iran.

E-mail: ma.dehghan@shirazu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 2022-10-31

Received in revised form
2022-12-15

Accepted 2023-01-07

Available online
25 March 2025

Keywords:

Professional ethics,
Abbasid era,
Clothing trade,
Muhtasib,
Hasabah texts.

ABSTRACT

by proliferation and specialization of professions in the Abbasid era, professional ethics became an orderly necessity in the market. The Caliphate established the Dar al-Hasabah, a governmental and supervisory institution, to establish professional ethics. The muhtasib in charge of this institution was engaged in supervision based on the principles of Islam and in the form of enjoining good and forbidding wrong. The Muhtasibs of this era wrote numerous works to guide their colleagues. These texts are actually considered to reflect professional ethics in the Abbasid era, which using two approaches: positive and negative expresses the moral duties and responsibilities of professionals. Among the many and varied duties of them, market supervision is considered the broadest range of their supervision. In this economic location, the clothing industry, after food, has had the most jobs and supervision.

This research intends to examine professional ethics in the clothing industry by examining important and available books. The research approach is descriptive and uses quantitative data with a comparative method. Based on the research findings, observing responsibility, trustworthiness, and good ethics had the highest number of instances in the positive category, and lying, low-selling, hoarding, and usury had the highest number of components in the negative group from the perspective of the auditors.

Cite this article: ghasempoor, sedigheh; khakrand, shokrolah; dehghan, masome (2025). The components of



professional ethics from the point of view of the Abbasid era's works of Muhtasban (case study: clothing industry), *Historical Studies of the Islamic World*, 34 (2), 136-161.
<https://doi.org/10.22034/MTE.2023.14453.1659>



© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

DOI: <https://doi.org/10.22034/MTE.2023.14453.1659>

مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای از دیدگاه آثار محتسبان عصر عباسی (مطالعه موردی: صنف پوشاکی)

صدیقه قاسم‌پور^۱ | شکراله خاگرد^۲ | معصومه دهقان^۳

۱. نویسنده مسؤول، دکتری تاریخ اسلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

رایانامه: s.ghasempoor257@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: khakrand@shirazu.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: ma.dehghan@shirazu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

با ازدیاد و تخصصی شدن حرفه‌ها در عصر عباسیان، اخلاق حرفه‌ای ضرورتی انتظام-بخش در بازار گردید. دستگاه خلافت جهت برقراری اخلاق حرفه‌ای به تأسیس نهاد حکومتی-نظارتی دارالحسبه اقدام کرد. محتسب متولی این نهاد با تکیه بر مبانی دین اسلام و در قالب امر به معروف و نهی از منکر به امر نظارت مشغول بود.

محتسبان این عصر آثار متعددی را جهت راهنمایی همکاران خود تألیف کردند. این متون در واقع منعکس کننده اخلاق حرفه‌ای در عصر عباسیان به شمار می‌رود که با استفاده از دو راهکار ایجابی و سلبی به بیان وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی صاحبان حرف پرداخته‌اند. از میان وظایف متعدد و متنوع محتسبان، نظارت بر بازار، گسترده‌ترین طیف نظارتی وی به شمار می‌رفته است. در این مکان اقتصادی، صنف پوشاکی پس از غذایی دربردارنده بیشترین حرف و نظارت بوده است. این پژوهش در نظر دارد با بررسی کتاب‌های مهم و در دسترس حسبه، اخلاق حرفه‌ای در صنف پوشاکی را مورد بررسی قرار دهد.

نظر به این مسئله، رویکرد پژوهش توصیفی و استفاده از داده‌های کمی با شیوه مقایسه‌ای است. بر اساس دستاوردهای پژوهش، رعایت مسئولیت‌پذیری، امانت‌داری و اخلاق پسندیده به ترتیب بیشترین تعداد مصادیق در دسته ایجابی و دروغ‌گویی، کم-فروشی، احتکار و رباخواری بیشترین تعداد مؤلفه در گروه سلبی از دیدگاه محتسبان را داشته است.

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵

کلیدواژه‌ها:

اخلاق حرفه‌ای،

عصر عباسیان،

صنف پوشاکی،

محتسب،

متون حسبه.

استناد: قاسم پور، صدیقه؛ خاگرد، شکرالله؛ و دهقان، معصومه (۱۴۰۴). مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای از دیدگاه آثار محتسبان عصر عباسی (مطالعه

موردی: صنف پوشاکی). مطالعات تاریخی جهان اسلام، ۳۴ (۲)، ۱۶۱-۱۳۶.

<https://doi.org/10.22034/MTE.2023.14453.1659>



مقدمه

اخلاق حرفه‌ای با بیان وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی هر حرفه‌ای، ضرورتی انتظام بخش در هر جامعه‌ای به شمار می‌رود. این نوع اخلاق زمانی معنای بیشتری پیدا می‌کند که حرف در ظرف مکانی خاصی به نام بازار در محیط اجتماعی که کارها تخصصی تعریف شده‌اند، یعنی شهر، پدید آمده باشند.

در عصر عباسیان (۶۵۶-۱۳۲ ه.ق.)، با تثبیت فتوحات و فروکش کردن آشوب‌ها، شهرها گسترش یافتند و بازارهای متعددی شکل گرفتند. با گسترش این مکان‌ها و مهاجرت صاحبان حرف از دیگر اقوام و ملل به بغداد- پایتخت خلافت اسلامی- معضلاتی به وجود آمد که ضرورت اخلاق حرفه‌ای به عنوان عاملی جهت انتظام بخشیدن به بازارهای اسلامی را دوچندان کرد. خلفای این عصر، جهت برقراری اخلاق حرفه‌ای به تأسیس نهادهای نظارتی همچون دارالحسبه اقدام کردند. ضرورت تأسیس این نهاد از همان اوایل عصر عباسیان احساس گردید. محتسب متولی این نهاد، جهت اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، بر رفتار صاحبان حرف نظارت می‌کرد و با بیان وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی هر حرفه‌ای در تلاش بود تا فضایل اخلاقی را گسترش دهد و با رذایل اخلاقی برخورد کند تا از این طریق بتواند نظم پایداری در بازار برقرار کند.

محتسبان آثار متعددی را در این زمینه تألیف کردند که نشان دهنده اهمیت اخلاق حرفه‌ای در جامعه عصر عباسیان می‌باشد. از آنجایی که این متون دستورالعملی اجرایی برای محتسبان زمان خود بودند، از نظر سندشناسی تاریخی روایت آن‌ها صادق بوده و احتمال تحریف واقعیت تاریخی در آن‌ها کم است. علاوه بر آن موضوع بررسی این حسبه‌نگاران دربردارنده داده‌های تاریخی زیادی به صورت رد تاریخی می‌باشد؛ از این رو روایت آن‌ها بیشتر به صدق نزدیک است. نگارش این متون هرچند از اواخر قرن دوم هجری آغاز شد، اما آثار اندکی از آن‌ها باقی مانده است. از مهمترین و جامع‌ترین آثاری که در این زمان در دسترس است، می‌توان به کتاب‌های نهاییه الرتبه فی طلب الحسبه از عبدالرحمن بن نصر بن عبدالله شیزری^۱ (متوفی حدود

۱. عبدالرحمن بن نصر بن عبدالله شیزری دانشمند، ادیب و فقیه و قاضی و پزشک عصر صلاح الدین ایوبی بود. لقب شیزری یا شیرازی برگرفته از قلعه شیر در اطراف شهر حلب می‌باشد (شیزری، ۱۳۸۱/۱۴۲۴: ۷۴). در مورد سال تولد و نحوه زندگی شیزری اطلاعات چندانی در دست نیست. آثار متعددی از جمله التهج المسلوک فی سیاسه الملوک، الايضاح فی أسرار النکاح، نهاییه الرتبه فی طلب الحسبه و خلاصه الکلام فی تدویل الأحلام از وی بجا مانده است که از میان آن‌ها، کتاب نهاییه الرتبه فی طلب الحسبه از اهمیت و ارزش زیادی برخوردار است. شیزری این کتاب را بنا به درخواست صلاح الدین ایوبی تألیف کرده است و در مقدمه کتاب

۵۵۹۰ ق.)، نه‌ایه‌الرتبه فی طلب الحسبه محمد بن احمد بن بسام^۱ (متوفی حدود ۵۶۲۵ ق.) و معالم القریه فی احکام الحسبه تألیف ضیاء الدین محمد بن احمد بن ابی زید بن اخوه^۲ (متوفی ۵۷۲۹ ق.) اشاره کرد.

در کتاب‌های ذکر شده، نظارت بر رفتار صاحبان حرف صنف پوشاکی، یکی از مهمترین وظایف نظارتی محتسب بوده است. در این عصر، با توسعه زمین‌های کشاورزی و افزایش محصولات زراعی اعم از کشت پنبه و کتان و مهاجرت اقوام و ملل مختلف با تنوع پوششی، زمینه برای گسترش حرفه‌های صنف پوشاکی فراهم گردید. با ازدیاد این حرفه‌ها و مهاجرت صاحبان حرف پوشاکی با رفتارهای مختلف، معضلات اخلاقی افزایش یافت و ضرورت نظارت بیشتر از سوی محتسبان افزایش گردید.

اشاره می‌کند «که کسی که در منصب حسبه نشسته و مسئولیت نظارت بر مصالح مردم و پیگیری امور بازار و کسبه را یافته، از من خواسته تا راه‌های حسبه را به اختصار برای وی جمع‌آوری کنم تا راهنمای وی در سیاست و فرمانروایی باشد» (همان: ۲۱۰). شیرزی، این کتاب را در چهل باب تألیف کرده است، که در آن به حرفه‌های مهم و مشهور پرداخته است. وی باب‌های اول را به شرایط حسبه و معرفی ترازو و میزان پرداخته است و سپس وظایف صاحبان هر حرفه‌ای و تقلب‌های رایج در میان آن‌ها را بیان کرده است.

۱. محمد بن احمد بن بسام متوفی نیمه اول قرن هفتم هجری می‌باشد. درباره تاریخ دقیق ولادت یا وفات او اطلاعات چندانی در دست نیست (ابن بسام، بی‌تا: ۱۷۰). از وی آثار متعددی همچون انیس الجلیس فی أخبار تنیس، نه‌ایه‌الرتبه فی طلب الحسبه باقی مانده است. کتاب نه‌ایه‌الرتبه فی طلب الحسبه یکی از آثار ارزشمند در زمینه حسبه به شمار می‌رود که قدیمی‌ترین نسخه آن مربوط به سال ۸۴۴ ه. ق. می‌باشد (همان: ۱۷۰). علاوه بر این نسخه‌های متعددی در مطبعه معارف بغداد موجود است که مورد استفاده محققان این اثر محمد حسن محمد حسن اسماعیل و احمد فرید المزیدی واقع شده است. ابن بسام در تألیف آن از کتاب شیرزی چنان الگو گرفته که حتی نام کتاب خود را دقیقاً از عنوان کتاب وی اقتباس کرده است. این کتاب هر چند برگرفته از عنوان کتاب شیرزی می‌باشد، اما وی باب‌هایی را بدان افزوده که قدر مسلم برگرفته از تجربیات شخصی او بوده است. از این جهت می‌توان گفت که در نوع خود منبع ارزشمند و متفاوتی است. نه‌ایه‌الرتبه، در بردارنده صد و هیجده باب می‌باشد که هر بابی نیز شامل فصول متعددی است.

۲. محمد بن احمد بن ابی زید معروف به ابن اخوه، فقیه، محدث شافعی (۷۲۹-۶۴۸ ه. ق.)، مؤلف کتاب معالم القریه فی احکام الحسبه، در خانواده‌ای دانشمند که نسب آن‌ها به قرشی می‌رسید، در مصر متولد و پرورش یافت. وی در زمان خودش چندان شهرت نداشت، اما پس از مرگ به علت تألیف چنین کتابی سریع در سوریه و سایر نقاط مشهور شد (ابن اخوه، ۱۳۴۷: ۲۱). ابن اخوه، محتسبی سختگیر بود که بر پایه آگاهی‌های شغلی و نیز مطالعات سرشار در احکام و مقررات اسلامی کتاب معالم القریه فی احکام الحسبه را تألیف کرد. این کتاب تنها اثر شناخته شده وی به شمار می‌رود، که در آن نخست به ذکر احکام فقهی هر موضوع با استناد به آیات قرآن مجید و احادیث پرداخته و سپس آن را با وضع موجود روزگار خود تطبیق کرده است. معالم القریه در بردارنده هفتاد باب می‌باشد، که در باب‌های اولیه به وظیفه محتسب و امر به معروف و نهی از منکر و بیان انواع ترازوها و وزن‌ها پرداخته و سپس از باب یازدهم به بعد مسئولیت‌های صاحبان هر حرفه‌ای را شرح داده است.

در زمینه بررسی مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای در صنف پوشاکی عصر عباسیان پژوهش مستقلی انجام نشده است. با این حال می‌توان مطالبی را در مقالات و کتاب‌ها به دست آورد. شیخلی (۱۳۶۲) اصناف عصر عباسیان را مورد بحث قرار داده است. وی در این کتاب به بیان وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی صاحبان حرف اشاره کرده است. اما نگاه کلی به این موضوع داشته است و به صورت مجزا اخلاق حرفه‌ای در صنف پوشاکی را بررسی نکرده است. العوامره (۱۳۸۳) اخلاق حرفه‌ای در سیره نبوی (ص) را مورد بحث قرار داده است. وی در این رساله، اخلاق حرفه‌ای عصر پیامبر (ص) را از دیدگاه فقهی و حدیثی بررسی کرده است. اما در این مقاله، با نگاه تاریخی به بررسی این موضوع با تکیه بر عصر عباسیان و در صنف پوشاکی پرداخته شده است. چیت‌ساز (۱۳۹۱) به بررسی تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغولان پرداخته است. از آنجایی که ایران هم جزء قلمرو عباسیان بوده است، آشنایی با پوشش این سرزمین نشانگر وضعیت پوششی آن عصر می‌باشد. این کتاب هرچند اطلاعات مفیدی در زمینه نوع پوشش مردم این عصر دارد و به حرفه‌های پوشاکی مختلف اشاره کرده است، اما به اخلاق حرفه‌ای این صنف نپرداخته است. فرخی و ناصری (۱۳۹۴) به بررسی تقلب‌های شغلی پیشه‌وران بر اساس معالم القریه فی احکام الحسبه پرداخته‌اند. آن‌ها در این مقاله، فقط به برخی از نبایدهای اخلاقی صاحبان حرف گروه پوشاکی پرداخته‌اند. علاوه بر این، تقلب‌های شغلی را از دیدگاه یک کتاب حسبه بررسی کرده‌اند و از سایر کتاب‌های مرتبط این عصر مغفول مانده‌اند. مکی (۱۳۹۸) تمدن اسلامی در عصر عباسیان را مورد بررسی قرار داده است. وی در این کتاب به نحوه پوشش این عصر اشاره کرده است، اما به اخلاق حرفه‌ای هیچ نپرداخته است. نویسندگان این مقاله جهت بررسی دقیق‌تر اخلاق حرفه‌ای در صنف پوشاکی عصر عباسیان، به بررسی سه اثر مهم و در دسترس همچون نهایه الرتبه فی طلب الحسبه شیزری، نهایه الرتبه فی طلب الحسبه ابن بسام و معالم القریه فی احکام الحسبه ابن‌اخوه پرداخته‌اند.

تعریف اصطلاحات

اخلاق

اخلاق از دیرباز موضوع مورد توجه جوامع مختلف بوده و در بردارنده صفات نیکو و پسندیده- ای مانند راستگویی و پاکدامنی و یا صفات زشت و ناپسندی همانند دروغ‌گویی و بی‌حیایی می- باشد. (نراقی، ۱۲۰۹، ج ۱: ۹) در فرهنگ لغت، اخلاق جمع خَلْق و خُلُق است. راغب‌اصفهانی

در کتاب المفردات فی غرایب القرآن، خُلق و خُلُق را در اصل یکی دانسته است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲/۱۳۷۰، ج ۱: ۲۹۷) اما با دقت در معنای آن‌ها مشخص می‌شود که خُلق در لغت به معنای خوی، عادت، طبع و مروت است و به صفات ظاهری و محسوس انسان گفته می‌شود که با چشم ظاهر قابل درک می‌باشد و در مقابل خُلُق به معنای دین، سرشت و طبع ویژه صفات و سجایای باطنی انسان است که تنها با دیده بصیرت و غیرظاهر قابل درک است. (ابن منظور، ۱۴۱۴/۱۳۷۲، ج ۱۰: ۸۸) میان خُلق و خُلُق رابطه تأثر برقرار است. بدین منظور که خُلُق امری درونی است و بر خُلق در بیرون اثر می‌گذارد و در رفتار انسان‌ها تجلی می‌یابد.

علم اخلاق به دو دسته نظری و کاربردی تقسیم می‌شود. در اخلاق نظری از چیستی، علل، ابعاد و آثار اخلاق به طور کلی بحث می‌شود. اما در اخلاق کاربردی که گستره وسیعی از زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را دربردارد، به کاربرد مبانی و معیارهای اخلاقی در حوزه یا مسئله‌ای خاص پرداخته می‌شود.

اخلاق حرفه‌ای

یکی از مهمترین حوزه‌های اخلاق کاربردی، اخلاق حرفه‌ای است. رفتار صاحبان حرف نقش مهمی در حفظ و بقای یک جامعه مدنی دارند و بالعکس نیز ازدیاد رفتار ضد اخلاقی آن‌ها، می‌تواند زمینه را برای سقوط و اضمحلال یک جامعه فراهم کند. اهمیت این موضوع موجب گردیده است تا اخلاق حرفه‌ای دغدغه افراد مختلف جامعه اعم از علما، دانشمندان و حاکمان جامعه باشد.

تعاریف متعددی در مورد اخلاق حرفه‌ای وجود دارد که متداول‌ترین آن "شیوه‌های رفتاری در میان اهل یک حرفه می‌باشد که مبتنی بر رعایت حقوق طرف مقابل است." (قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۲۲) در نگاه اول، ممکن است آشنایی و اجرایی شدن مسئولیت‌های اخلاقی هر حرفه‌ای، امری ساده به نظر برسد. اما با افزایش حرفه‌ها و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی، اخلاق حرفه‌ای نیز گسترده‌تر شد.

در هر حرفه‌ای، عده‌ای تولیدکننده کالا و ارائه دهنده خدمات هستند، که در برابر خریداران و خدمات گیرندگان مسئولیت اخلاقی دارند. صاحبان حرف هرچند جهت به دست آوردن اعتماد خریداران، موظف به رعایت اخلاق در کسب و کارشان هستند. اما رعایت اخلاق حرفه‌ای از عوامل متعددی اثر می‌پذیرد و نمی‌توان انتظار داشت که همه صاحبان حرف به یک اندازه و درجه

به اصول آن پایبند باشند. چرا که اخلاق حرفه‌ای تحت تأثیر دو عامل درونی (شخصیتی) و بیرونی (محیط) قرار دارد. در بعد شخصیتی بایستی گفت همه صاحبان حرف با یک نوع اخلاق تربیت و پرورش نیافته‌اند، تا شخصیت اخلاقی آن‌ها ثابت باشد. از این رو، صاحبان حرف به سه دسته تقسیم می‌شوند. یک دسته از صاحبان حرف که تعداد آن‌ها اندک است به دلیل ایمان قلبی به خداوند، همیشه و تحت هر شرایطی، بر اساس وجدان عمل کرده و صفات اخلاقی را در حرفه‌شان رعایت می‌کنند. (انصاف‌پور، ۱۳۵۶: ۲۷۸) دسته دوم تعداد اندکی از صاحبان حرف هستند که برای بدست آوردن سود بیشتر، تحت هر شرایطی حتی شرایط مساعد به هر فعالیت غیر اخلاقی اقدام می‌کنند. گروه سوم گروه کثیری از صاحبان حرف هستند که در صورت مساعد بودن شرایط، وظایف اخلاقی خود را انجام می‌دهند. اکثر آنان، اگر شرایط به نحوی رقم بخورد که به حد کافی وسوسه شوند، نیز ممکن است دست به فعالیت غیر اخلاقی بزنند. این دسته از صاحبان حرف، زمانی که احساس کنند از سوی حکومت به آن‌ها ظلم یا حقی در جایی پایمال شده است، تلاش می‌کنند تا برای جبران حقوق پایمال شده‌اشان، از هر فرصت غیر اخلاقی استفاده کنند. از این جهت، اخلاق حرفه‌ای برای دسته اول نقش راهنما و هدایتی و برای دسته دوم نقش پیشگیری و بازدارنده و برای گروه سوم هر دو نقش را ایفا می‌کند.

علاوه بر این، عوامل بیرونی متعددی در اجرایی شدن اخلاق حرفه‌ای اثرگذار است. حکومت‌ها، با سیاست‌هایشان نقش مهمی در اجرایی شدن اخلاق حرفه‌ای توسط صاحبان حرف دارند. میان حکومت و اخلاق حرفه‌ای رابطه تنگاتنگی وجود دارد. حکومت برای داشتن اقتصاد پایدار، نیازمند اخلاق و صاحبان حرف برای پیشرفت اخلاقی در حرفه‌شان، نیازمند ایجاد و فراهم شدن بسترهای مناسب از طرف حکومت می‌باشند. یکی از اقدامات لازم حکومت در اجرایی شدن اخلاق، ایجاد نهادهای نظارتی - اجتماعی می‌باشد.

شکل‌گیری نهاد حسبه در تمدن اسلامی

همه جوامع انسانی برای ادامه حیات خود نیاز به نظم دارند تا در سایه آن نظم بتوانند مناسبات و ارتباطات اجتماعی خود را تنظیم کنند. به طور طبیعی هر قدر جامعه انسانی بزرگ‌تر و کارها نیز تقسیم‌بندی شود، برقراری نظم ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. در جزیره العرب پیش از ظهور اسلام، هرچند به دلیل شرایط نامساعد جغرافیایی و اقتصادی، صحرانشینی شکل غالب زندگی به شمار می‌رفت و امکان توسعه جمعیتی متمرکز و متمدن وجود نداشت، اما پس از مدتی خاندان معروف

قریش توانستند راه تجارت و بازرگانی در پیش گیرند و از گرسنگی و ناامنی نجات پیدا کنند.^۱ نیاز تجارت به امنیت، باعث شد تا این خاندان با وضع ماه‌های حرام زیر پوشش اخلاقی و حقوقی کعبه، تا حدودی امنیت را برای تجارت فراهم کنند. (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۱۵) هرچند این قوانین، بارها توسط خاندان قریش نقض می‌شد^۲ و جامعه یکجانشین مکه با جامعه‌ای که در آن کارها تقسیم و تخصصی شده بودند، فاصله زیادی داشت، لیکن با این پیشرفت‌های اقتصادی و قوانینی که ابداع می‌کردند، به تدریج به سوی جامعه‌ای منظم در حرکت بودند. (خاکرند، ۱۳۹۰: ۱۰۵)

شکل دقیق نظم در جزیره العرب در زمان پیامبر اسلام (ص) و در مدینه صورت گرفت. اما در این زمان نیز تعداد افراد جمعیت مدینه جهت تخصصی شدن کارها کافی نبود. با این حال دستورات پیامبر (ص) در خصوص اخلاق و احکام در قالب امر به معروف و نهی از منکر سبب گردید تا روابط اجتماعی و اقتصادی شکل منسجم‌تری پیدا کند و همین امر نیز بعدها پایه و اساسی برای ایجاد مهمترین نهاد نظارتی - اجتماعی گردد. (ابن الجعد، ۱۹۹۰: ۴۸۲)

پس از دوران فتوحات، بازتولید ارزش‌های اخلاقی عصر جاهلی به دلیل عجله اعراب مسلمان شده به کشورگشایی پیش از تربیت کامل دینی و بی‌توجهی خلفا به تربیج و گسترش تربیت دینی به شیوه‌ای که پیامبر (ص) در پیش گرفته بودند از یک طرف و مهاجرت اقوام مناطق مفتوحه به پایتخت و ایجاد شهرهای جدید اسلامی و تمایل روزافزون اعراب نومسلمان به اسکان در شهرها با اخلاق‌های ترکیبی از طرف دیگر، باعث ایجاد نوعی ناهمگونی و بی‌نظمی در سطح جامعه گردید. (خاکرند، ۱۳۹۰: ۲۳۷) لزوم برقراری نظم در جامعه و انطباق روابط اجتماعی جوامع شهری سرزمین‌های مفتوحه با قوانین و قواعد اسلامی سبب گردید تا حاکمان جامعه اسلامی جهت تنظیم روابط اجتماعی و برطرف کردن مشکلات احتمالی و برقراری نظم و آرامش در جامعه، به ایجاد نهادهای مختلف اداری و اجرایی بر پایه دین اقدام کنند.

در جامعه عصر عباسیان با توجه به ثبات سیاسی و پیشرفت‌های اقتصادی، حرفه‌ها افزایش یافتند. با ازدیاد حرفه‌ها و مهاجرت صاحبان حرف دیگر سرزمین‌ها به بازارهای اسلامی، معضلات اخلاقی متعددی به وجود آمدند که ضرورت انتظام بخشیدن به آن بیشتر احساس گردید. از این رو، نهاد نظارتی منسجم حکومتی با عنوان «دیوان الحسبه» در زمان خلافت منصور (حک: ۱۵۸-

۱. قریش: ۴-۱.

۲. جنگ‌های فجار نمونه‌ای از نقض قانون ماه‌های حرام بوده است.

۱۳۷۵.ق.) تشکیل شد تا با بیان وظایف و مسئولیت های اخلاقی هر حرفه ای، فضایل اخلاقی در هر حرفه ای را گسترش دهند و با ردایل اخلاقی برخورد کنند. (طبری، ۱۳۶۲: ج ۱۱: ۴۹۲۰)

نقش نهاد حسبه در نظارت اجتماعی

اسلام دینی است که اساس آن بر حکومت است. از این رو دستورات آن ابعاد جمعی دارد. تلاش برای حفظ نظم در جامعه اسلامی که تسهیل کننده راه تعالی باشد در غالب دستورات دینی دیده می شود. دستورات متعدد در قالب اجبار شرعی مانند خمس و زکات و اجبار اخلاقی مانند صدقه و انفاق و زهد و ورع، از یک منظر برای آن است که تعادل اقتصادی جامعه به هم ریخته نشود؛ چنانکه سیره پیامبر (ص) در روند تقسیم غنائم این مسئله را به خوبی تأیید می کند. (زرگری- نژاد، ۱۳۸۹: ۲۵۸) اما از سوی دیگر این دستورات شرعی و اخلاقی، در نگاه اسلامی جنبه ماورایی نیز دارند که در آن تلاش می شود فرد با نیت خالص از طریق این کنش های اجتماعی به خدا نزدیک تر شود. این اصل (نزدیکی به خدا) سبب شد تا از ابتدا مسلمانان برای حفظ ضوابط شرعی و اخلاقی به تقلید از قرآن تبشیر و تنذیر داشته باشند. در مواردی نیز قرآن مسلمانان را به ایجاد نظم^۱ و جلوگیری از بی نظمی^۲ دستور داده است. به این ترتیب مسئولیت اجتماعی از همان ابتدا برای رشد همه اعضای دین تعریف شده است.

در نگاه جامعه شناسی، از این وظیفه به عنوان نظارت و کنترل اجتماعی یاد می شود. (اینز، ۱۳۹۶: ۱۵۲) کنترلی که در جامعه اسلامی هم کارکرد انتظام بخشی در جامعه را دارد و هم جنبه اخروی و معنوی دارد. بارزترین شکل کنترل اجتماعی در جامعه اسلامی «امر به معروف و نهی از منکر» است، که علاوه بر مکمل اخلاق فردی، به عنوان ناظر بیرونی نقش مهمی در گسترش اخلاق در سطح جامعه دارد. (دانشنامه جهان اسلام، مدخل حسبه) این امر چنان برای مسلمانان اهمیت دارد که غزالی درباره آن می گوید: «بدان که حق تعالی، امر به معروف و نهی از منکر را در دین رکنی بزرگتر نهاده است و آن مهمی است که خدا، همه انبیاء را برای آن فرستاده است». (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۶۶۳)

امر به معروف و نهی از منکر، ابعاد گسترده ای از زندگی اجتماعی انسان ها را در برمی گیرد. اجرای شدن این مؤلفه اخلاقی در اقتصاد، باعث رشد و شکوفایی جامعه و برقراری قسط و عدل

۱. حجات: ۱۰.

۲. مائده: ۲.

می‌گردد. در اقتصاد، صاحبان حرف، نقش محوری دارند و بخش عظیمی از ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه را تشکیل می‌دهند. اجرایی شدن اخلاق از سوی آن‌ها باعث برقراری نظم در جامعه و گسترش فضایل اخلاقی می‌گردد.

این موضوع نیز همانند هر امر تاریخی دیگری در هر زمان، شرایط و اقتضائات خاص خود را دارد و به تناسب زمان و مکان، روش‌ها و مصداق‌های آن گوناگون می‌شود. (باقری و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۶) در صدر اسلام، پیامبر(ص)، اخلاق، احکام و کنترل اجتماعی را در قالب امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌دادند. همین امر، بعدها پایه و اساسی برای ایجاد نهاد حسبه و کارگزارانی با عنوان محتسب گردید.

نظارت بر رفتار صاحبان حرف تا پیش از تثبیت فتوحات، به علت ساده بودن حرفه‌ها و یکنواخت بودن ساختار جمعیتی، شکل محدودی داشت و شخصاً توسط پیامبر(ص) و سپس خلفای راشدین صورت گرفته می‌شد. (قلقشندی، بی‌تا، ج ۵: ۴۲۵؛ ابن سعد، ۱۴۱۴/۱۳۷۲، ج ۲: ۱۱۰)

با تثبیت فتوحات در عصر عباسیان، اقوام مختلف با سابقه‌های فرهنگی گوناگون از خرد تا کلان وارد پهنه مادی و معنوی تمدن اسلامی شدند. ورود آن‌ها هرچند موجب شکوفایی تجارت و ایجاد و توسعه بازارهایی در سراسر جهان اسلام گردید، اما حاکمان اسلامی را مجبور کرد تا برای انتظام جامعه به تدابیری اقدام کنند و محتسب را موظف به ساماندهی وضع جامعه کنند. (دانشنامه جهان اسلام، مدخل خراج)

محتسبان وظایف گسترده‌ای داشتند. کنترل فعالیت اقتصادی، جزء مهمترین حیطه نظارتی آن‌ها به شمار می‌رفت که با نظارت بر بازار- مرکز فعالیت‌های اقتصادی- انجام می‌دادند. نظارت محتسبان بر اخلاق صاحبان حرف مشغول به فعالیت در بازار، چنان گسترده بود که در برخی از شهرهای اسلامی، وی را نیز بازاریان می‌گفتند. (حسن، ۱۳۳۸، ج ۲: ۲۳۱) محتسبان این وظیفه را ابتدا یک نظارت کلی بر بازار شروع می‌کردند تا حقوق مصرف‌کنندگان حفظ شود و با آرامش بیشتری به خرید بپردازند. در همین راستا، از ورود چارپایان و کسانی که بار خار، هیزم کاه و خاکستر و... داشتند، به سبب آلودگی، پاره کردن لباس و آسیب رساندن به خریداران ممانعت می‌کردند. آن‌ها، همچنین بر نحوه قرار گرفتن اجناس صاحبان حرف، نظارت می‌کردند تا از حریم خود تجاوز نکنند و مزاحم عبور و مرور مردم نشوند. (ابن‌اخوه، ۱۳۴۷: ۶۱-۶۰؛ فقیهی، ۱۳۵۷: ۳۶۸) سپس به صاحبان حرف سفارش می‌کردند بعد از اتمام کارشان و قبل از رفتن به منزل، جلوی مغازه‌هایشان را جارو کنند تا باعث تجمع آلودگی نگردد. (شیزری، ۱۳۸۱/۱۴۲۴: ۲۱۸) در مرحله بعد، ناظران حکومتی به وسیله فردی به نام عریف که مورد اعتماد و آشنا با شیوه‌های

تقلب هر حرفه‌ای بودند. بر تک تک واحدهای تولیدی-توزیعی و خدماتی داخل و بیرون از بازار نظارت می‌کردند. (منتظری، ۱۳۸۷: ۱۱۹)

محتسبان این مسئولیت مهم را با استفاده از دو راهکار هدایتی و بازدارندگی انجام می‌دادند. به نظر می‌رسد راهکار هدایتی، هرچند برای همه صاحبان حرف اعم از مسلمان باسابقه و تازه‌وارد کاربرد داشت. اما اغلب برای صاحبان حرف مهاجری بود که از سرزمین‌های مختلف با آداب کسب و کار متفاوت وارد جامعه اسلامی شده بودند و نیاز به راهنمایی بیشتر جهت همانندسازی کسب و کارشان با معیارهای اخلاقی اسلامی داشتند. موالی^۱ و صاحبان حرفی که در جنگ‌ها اسیر می‌شدند^۲، از جمله گروه‌هایی بودند که نیاز به راهنمایی بیشتری داشتند و محتسبان سعی می‌کردند آن‌ها را با وظایف و مسئولیت‌هایشان آشنا سازند. (شیخلی، ۱۳۶۲: ۱۱۹؛ زرین-کوب، ۱۳۸۳: ۴۵۰)

مسئولیت دوم که نقش بازدارندگی داشت، نیز بیشتر برای کسانی کاربرد داشت که با مسئولیت‌های اخلاقی در کسب و کار آشنا بودند، اما برای به دست آوردن سود نامعقول بیشتر طفره می‌رفتند. محتسبان که با انواع آسیب‌های اخلاقی جامعه آشنا بودند، سعی می‌کردند با شیوه‌های مختلفی با صاحبان حرف خطاکار برخورد کنند.^۳ (گراوند، ۱۳۹۳: ۳۷-۳۵)

محتسبان عصر عباسی با هدف آگاه‌سازی صاحبان حرف و راهنمایی سایر همکارانشان به تألیف آثار پرداختند. (سقطی، ۱۹۳۱: ۱۱) آثار متعددی در این عصر تألیف شده است که مهمترین و جامع‌ترین آن، نهایه الرتبه فی طلب الحسبه از عبدالرحمن بن نصر بن عبد الله شیزری، نهایه الرتبه فی طلب الحسبه تألیف محمد بن احمد ابن‌بسام و معالم القریه فی طلب الحسبه از ضیاءالدین محمد بن محمد بن احمد بن ابی‌زید بن اخوه می‌باشد. نویسندگان این آثار اخلاق در حرفه‌های بیشتری را مورد بررسی قرار داده‌اند و به جزئیات بیشتری توجه کرده‌اند.

۱. موالی عهده‌دار مشاغل مهمی همچون کارهای صنعتی و بافندگی بودند که جامعه اسلامی به آن‌ها نیاز داشتند.

۲. اغلب اسیران جنگی وقتی وارد جامعه اسلامی شدند و ساکن این سرزمین می‌شدند، پس از مدتی به کسب و کاری مشغول شدند. هرچند آن‌ها دین اسلام را پذیرفته بودند، اما در کسب و کارشان هنوز مطابق با اخلاق سابق سرزمین خود فعالیت می‌کردند. (مکی، ۱۳۹۸: ۶۷)

۳. محتسب برای اصلاح رفتار خطاکاران ابتدا به صورت ملاطفت آمیز آنها را نهی می‌کرده است و حتی گاهی اوقات نیز خطا و اشتباهات آنها را نادیده می‌گرفته است. اما هنگامی که خطاکاران و مجرمان اشتباهات خود را همچنان تکرار می‌کردند، با احضار او به دارالحسبه، ابتدا آنها را سرزنش و توبیخ می‌کرده است تا اشتباه‌شان را تکرار نکنند. ولی اگر نصیحت و توبیخ تأثیری در رفتار افراد نداشت، با آنها برخورد فیزیکی می‌کرده است و به شیوه‌های مختلفی همچون شلاق زدن، تبعید، زندانی کردن و جریمه مالی مجازات می‌کرده است.

یکی از گروه‌های وسیع تحت نظارت محتسبان، صنف پوشاکی می‌باشد. این صنف شامل مشاغل متعددی همچون پنبه‌فروشی، حلاجی پنبه، کتان‌فروشی، رنگرزی، حریربافی، پارچه‌بافی، پارچه‌فروشی، کلاه‌دوزی، کفش‌دوزی، پوستین‌دوزی، نم‌دبافی، لباسشویی، خشکشویی و خیاطی بود. ناظران در هنگام بازدید از بازار، بر تک تک این حرفه‌ها نظارت می‌کردند و وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی لازم در هر حرفه‌ای را در قالب "بایدها" و پیشگیری از رذایل اخلاقی را در قالب "نبایدها" بیان می‌کردند. آن‌ها این وظایف را به استفاده از دو راهکار ایجابی و سلبی انجام می‌دادند.

مؤلفه‌های ایجابی در گروه پوشاکی از دیدگاه آثار محتسبان

مؤلفه‌های ایجابی به آن دسته از «بایدها» گفته می‌شود که به بیان وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی لازم در هر حرفه‌ای می‌پردازد. امانت‌داری، مسئولیت‌پذیری و اخلاق پسندیده سه مؤلفه ایجابی از دیدگاه مهمترین آثار محتسبان عصر عباسیان می‌باشد که در اینجا مصادیق مؤلفه‌های ایجابی در صنف پوشاکی مورد بحث و بررسی قرار گرفته می‌شود.

امانت‌داری

امانت‌داری یکی از مباحث مهم در اخلاق حرفه‌ای به شمار می‌رود که دامنه گسترده‌ای دارد و شامل هر چیزی از جان، مال، ناموس، اسرار و... که در کسب و کار در حوزه اختیار فرد قرار می‌گیرد، می‌شود. امانت از ریشه «امن» گرفته شده و به معنای ایمنی و اطمینان می‌باشد. (راغب‌اصفهانی، ۱۳۷۰/۱۴۱۲، ج ۱: ۹۰) بدین منظور که شخص امانتگذار از خیانت کسی که امانت پیش او می‌باشد، مطمئن و ایمن است.

مراد از امانت‌داری در حرفه به معنای عدم تصرف نیست. زیرا تصرف و به کارگیری مقوم کسب و کار است. تصرف در حرفه به معنای استفاده بهینه و شایسته بدون ضرر و زیان رساندن است. تصرف و به کارگیری هرچند لازمه کسب و کار هستند، اما بدون اجازه صاحبانش امکان‌پذیر نیست. امانت‌داری در حرفه دامنه گسترده‌ای از امانات را شامل می‌شود و هر حرفه‌ای به اقتضای فعالیتشان، امانت‌دار هر چیزی هستند که در اختیارشان قرار گرفته می‌شود.

در صنف پوشاکی، پارچه‌بافان که مسئولیت بافت پارچه را بر عهده داشتند، به دلیل نیاز به محیط وسیع نباید با پهن کردن ابزارآلات دستگاه بافت، راه را برای عابران تنگ می‌کردند و موجب آزار و اذیت آنان می‌گردیدند. آن‌ها همچنین در بافت

پارچه، می‌بایست طول و عرض پارچه را طوری می‌بافتند که خریدار در دوخت پارچه به دلیل عدم همخوانی طول و عرض پارچه با مشکل مواجه نشود و مجبور به تهیه پارچه دیگری نشود. (ابن‌اخوه، ۱۳۴۷: ۱۳۸-۱۳۷)

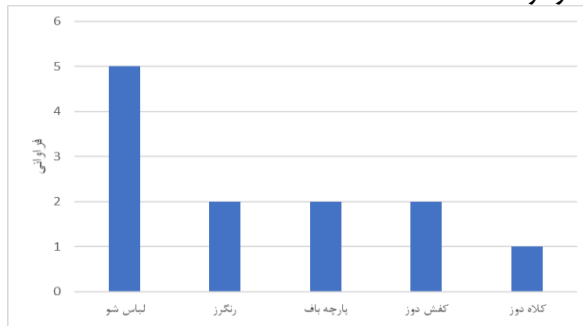
در حرفه‌های رنگرزی، لباس شویی و خشک‌شویی مصادیق امانت‌داری به شکل دیگری ظاهر می‌شود. این حرفه‌ها ارتباط مستقیمی با لباس‌های مردم دارند. از این رو، رنگرزان می‌بایست بر روی لباس‌ها نام صاحبان آن‌ها را یادداشت می‌کردند تا هنگام رنگرزی و قرار گرفتن لباس‌ها در یک ظرف، اشتباهی در رنگ و تحویل لباس‌ها پیش نیاید و مشتری متضرر نگردد. آن‌ها همچنین نباید بدون اجازه، لباس‌های مردم را کرایه یا رهن می‌دادند. (شیزری، ۱۴۲۴/۱۳۸۱: ۲۵۰) لباس-شویان نیز همانند رنگرزان می‌بایست جهت جلوگیری از بیماری‌های پوستی، لباس‌های مردم را با هم شستشو نمی‌دادند و بیش از یک ساعت در نوره^۱ قرار نمی‌دادند، تا موجب تغییر رنگ لباس‌ها نشود. (ابن‌بسام، ۱۴۲۴/۱۳۸۱: ۳۲۸) آن‌ها همچنین می‌بایست در هنگام شستن و آب کشیدن لباس‌ها، آن را به دور سرشان یا کمرشان نمی‌بستند و لباس‌ها را بلافاصله بعد از آب‌کشی و فشردن آب-های آن، در آفتاب پهن می‌کردند تا خیسی آن‌ها باعث بو گرفتن لباس‌ها نشود. بعد از تمیز و خشک شدن لباس‌ها، شستشوگران می‌بایست لباس‌ها را تا زمان تحویل به دقت نگهداری می‌کردند و در این فاصله، استفاده شخصی از لباس‌های مردم نکنند. (ابن‌اخوه، ۱۳۴۷: ۱۴۰)

کفش و کلاه وسیله کاربردی هر روز مردم می‌باشد، که بیشتر در معرض آفتاب و سرما قرار دارند. کلاه‌دوزان بایستی از پارچه خوب برای تهیه کلاه استفاده می‌کردند تا سریع خراب نشود و خریدار مجبور به تهیه کلاه دیگری نگردد. (همان: ۱۴۰-۱۳۹) کفش‌دوزان نیز می‌بایست در تهیه کفش، از پوست آسیب دیده برای تهیه رویه کفش استفاده نکنند و از نخ محکم و مرغوب کتان برای بندهای کفش استفاده کنند تا پس از گذشت مدتی ساییده و پاره نشود و به خریداران ضرر مالی وارد نشود. (شیزری، ۱۴۲۴/۱۳۸۱: ۲۵۱)

بر اساس یافته‌ای پژوهش، تعداد مصداق اخلاقی امانت‌داری در آثار محاسبان، به

^۱ . مخلوط آهک و زرنیخ برای زدودن موی بدن به کار می‌رود. به نظر می‌رسد از این مخلوط علاوه بر زدودن مو، برای ضدعفونی کردن لباس‌ها نیز به کار می‌رفته است.

ترتیب در شویندگان لباس ۵، رنگرز، پارچه‌باف، کفش‌دوز ۲ و در کلاه‌دوز ۱ می‌باشد. (نمودار ۱)



(نمودار ۱): فراوانی مؤلفه امانت‌داری در گروه پوشاکی

مسئولیت‌پذیری

مسئولیت از ریشه سأل گرفته شده و به معنای پاسخگویی می‌باشد. (ابن‌منظور، ۱۴۲۴/۱۳۸۱، ج ۱۱: ۳۱۸) در اصطلاح به پذیرش مسئولیت توام با قابلیت انجام، مسئولیت گفته می‌شود. بدین منظور که افراد تا زمانی که عهده‌دار کار یا خدمتی نشده‌اند، هیچ مسئولیتی ندارند، اما به محض توانایی و پذیرش مسئولیت، متعهد و در قبال انجام امور مربوط مسئول هستند تا آن کار را به بهترین نحو انجام دهند و پاسخگوی اعمال و رفتارشان باشند. (ملک، ۱۳۹۷: ۱۶)

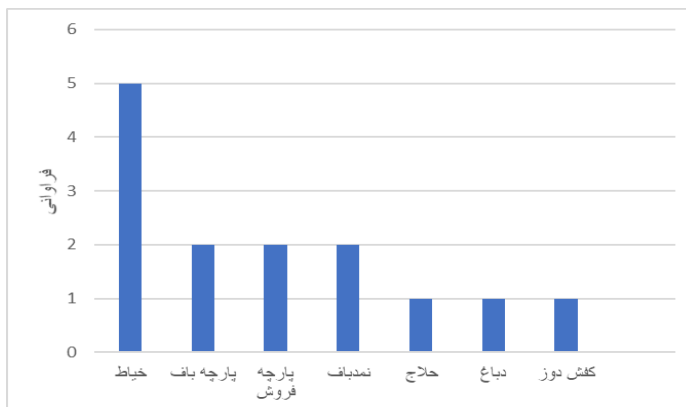
مسئولیت‌پذیری در حرفه، اهمیت زیادی دارد. صاحبان هر حرفه‌ای در برابر اعتمادی که افراد به آن‌ها دارند، بایستی پاسخگو و سودرسان آن‌ها باشند. سودرسانی در حرفه در بردارنده مصداق‌های متعددی همچون تخصص، انجام کار به بهترین نحو و وقت‌شناسی می‌باشد.

در صنف پوشاکی، پنبه، پشم و پوست حیوانات، مهم‌ترین مواد مورد استفاده صاحبان حرف به شمار می‌رود. کاربرد این مواد بر خلاف سایر گروه‌های شغلی از قواعد و قوانین فقهی برخوردار است. از این رو، برخی از صاحبان حرف این گروه شغلی موظف بودند طبق احکام و قوانین شرعی دین اسلام عمل کنند. چنانکه دباغان نایبستی پوست حیوان مرده را دباغی، نمدمالان در ساخت نمد از پشم حیوان مرده استفاده می‌کردند. (ابن‌بسام، ۱۴۲۴/۱۳۸۱: ۳۴۹، ۳۸۰)

در سایر حرفه‌های این گروه، مسئولیت‌پذیری صاحبان حرف به شکل‌های مختلفی نمود پیدا

می‌کرد. چنانکه پارچه‌بافان هنگام بافت پارچه موظف بودند ابتدا رشته نخ‌های مورد استفاده را وزن کنند و سپس اقدام به بافت پارچه کنند. (ابن‌اخوه، ۱۳۴۷: ۱۳۹) خیاطان نیز در هنگام دوخت پارچه، متعهد بودند قبل از برش و دوخت، پارچه‌های پشمی و نخی را اندازه‌گیری و پارچه‌های حریر و دیبا را وزن کنند و با دقت دوخت کنند تا پارچه را به بهترین نحو تبدیل به لباس کنند. (شیزری، ۱۳۸۱/۱۴۲۴: ۲۴۸) وقت‌شناسی و رعایت نوبت جزء یکی از مهمترین وظیفه آن‌ها به شمار می‌رفت. چرا که اشتغال خیاطان و عجله برخی از مشتری‌ها، باعث می‌شد تا آن‌ها نوبت را رعایت نکنند و در تحویل به موقع لباس‌ها تأخیر کنند. از این رو، خیاطان وظیفه داشتند پارچه‌ای را تحویل بگیرند که وقت دوخت آن را داشته باشند و به مدت یک هفته لباس مورد نظر را تحویل دهند. (ابن‌اخوه، ۱۳۴۷: ۱۳۹) علاوه بر خیاطان، کفش‌دوزان نیز تعهد داشتند سر موعد مقرر کفش‌ها را آماده کنند. (ابن‌بسام، ۱۳۸۱/۱۴۲۴: ۳۵۰) پارچه‌فروشان نیز بایستی پاسخگوی سؤالات مشتریان بودند و در هنگام فروش صداقت را سرلوحه کارشان قرار می‌دادند و عیب‌های اجناس را برای خریدار توضیح دادند و پایبند به معاملات انجام شده بودند. چرا که برخی از پارچه‌فروشان برای بدست آوردن سود بیشتر، معامله انجام شده را باطل می‌کردند تا پارچه را با قیمتی بیشتر به فرد دیگری بفروشند. (ابن‌اخوه، ۱۳۴۷: ۲۴۹)

بر اساس تعداد مصادیق اخلاقی یافت شده در متون حسبه، فراوانی مؤلفه مسئولیت‌پذیری، به ترتیب در خیاط ۵، پارچه‌باف، پارچه‌فروش و نم‌باف ۲ و حلاج، دباغ و کفش‌دوز ۱ مصداق می‌باشد. (نمودار ۲)



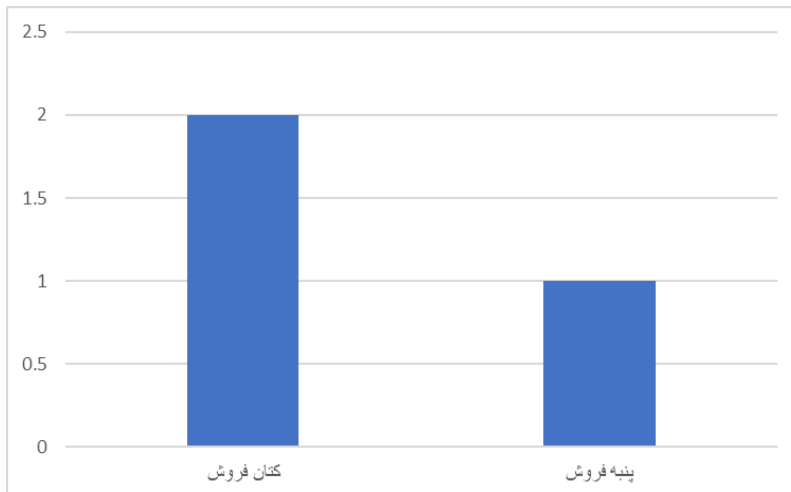
(نمودار ۲): فراوانی مؤلفه مسئولیت‌پذیری در گروه پوشاکی

اخلاق پسندیده

اولین مؤلفه‌ای که در تعامل افراد با یکدیگر قابل مشاهده و نقش مهمی در ادامه برقراری ارتباط دارد، نحوه برخورد است. رفتار پسندیده و شایسته در همه ارتباطات اجتماعی نقش محوری دارد. اما در میان صاحبان حرف، در بهبود ارتباط میان خریدار و فروشنده و اعتمادآفرینی تأثیر بسزایی دارد. نیکو صحبت کردن و رعایت ادب و احترام در نحوه برخورد از جمله مصداق‌های اخلاق نیکو و پسندیده به شمار می‌رود. نیکو صحبت کردن به منزله چاپلوسی و تملق نیست، بلکه به منظور صحبت کردن همراه با حیا، دلسوزی، و مهربانی می‌باشد. (پرهیزگار و حسینی، ۱۳۹۸: ۱۰۵)

در گروه پوشاکی، محاسبان فروشندگان را به رفتار نیکوی همراه با حیا سفارش می‌کردند. از آنجایی که برخی از زنان به ریسندگی و دوزندگی مشغول بودند، بعضی از حرفه‌ها همچون پنبه-فروش و کتان‌فروش جهت خرید و فروش با زنان بیشتر در ارتباط بودند. از این رو، صاحبان این حرف موظف بودند جهت رعایت حیا و پاکدامنی از حرف زدن‌های غیر ضروری پرهیز کنند و کسی را مسئول فروش کنند که خویشتن‌دار و پاکدامن باشد. (ابن‌اخوه، ۱۳۴۷: ۱۴۴-۱۴۵)

بر این اساس، اخلاق پسندیده در آثار محاسبان در بردارنده سه مصداق می‌باشد. کتان‌فروش و پنبه‌فروش به ترتیب با ۲ و ۱ مصداق بیشترین فراوانی را داشته‌اند. (نمودار ۳)



(نمودار ۳): فراوانی اخلاق پسندیده در گروه پوشاکی

مؤلفه‌های سلبی در گروه پوشاکی از دیدگاه آثار محتسبان

مؤلفه‌های سلبی نیز به آن دسته از "نبایدها" گفته می‌شود که جزء رذایل اخلاقی به شمار می‌رود. محتسبان در هنگام بازدید از گروه‌های شغلی، صاحبان حرف را از رذایلی همچون دروغ-گویی، کم‌فروشی، احتکار و رباخواری منع می‌کردند. در اینجا با تکیه بر صنف پوشاکی، مصادیق مؤلفه‌های سلبی مورد بررسی قرار گرفته می‌شود.

دروغ گویی

دروغ‌گویی در حرفه به دو صورت لفظی و عملی نمود دارد. در صورت لفظی، خریدار به فروشنده از عمد دروغ می‌گوید که این کالا را به فلان مقدار خریداری کرده است و برای اینکه اعتماد وی را نسبت به دروغ‌هایش جلب کند، قسم دروغ را نیز چاشنی آن می‌کند. در صورت عملی، دروغ به شکل غش در معامله و پنهان‌کاری ظاهر می‌شود. (محقق‌اردبیلی، ۱۴۰۳/۱۳۶۱، ج ۱۲: ۳۷۸) در این صورت، برخی از فروشندگان جنس عالی را با جنس ضعیف-تر مخلوط کرده و به نام جنس عالی به قیمت گزاف می‌فروشند. برخی دیگر نیز عیب‌های کالاهای خود را پنهان کرده تا خریدار به قیمت کالای سالم، هزینه پرداخت کند.

محتسبان در هنگام بازدید از بازار، صاحبان حرف گروه پوشاکی را از انجام اعمال ناشایست منع می‌کردند. چنانکه به فروشندگان پنبه، کتان و پارچه توصیه می‌کردند تا پنبه و کتان بی‌کیفیت و قدیمی را با پنبه و کتان جدید و باکیفیت ترکیب نکنند. در صنف پارچه‌فروشی، دروغ‌گویی به شکل لفظی نمود بیشتری پیدا می‌کرد. آن‌ها جهت بالا بردن قیمت پارچه‌ها با دلالان بازار تبانی می‌کردند که در هنگام فروش، با انتخاب همان پارچه خریداری شده سعی در ترغیب خریدار و بالا بردن قیمت‌ها می‌کردند و یا اینکه برخی دیگر از پارچه‌فروشان با غلامانشان تبانی می‌کردند و پارچه‌ای را به ده درهم به او می‌فروختند و سپس همان پارچه را به پانزده درهم از وی می‌خریدند تا خریداران واقعی را فریب دهند که قیمت پارچه افزایش یافته و نرخ جدید آن پانزده درهم می‌باشد. (شیزری، ۱۴۲۴/۱۳۸۱: ۲۴۹؛ ابن‌اخوه، ۱۳۴۷: ۱۳۴-۱۳۲)

در هنگام بازدید از بازار رنگرزان، محتسبان به صاحبان حرف توصیه می‌کردند که به جای روناس^۱ از حنا برای قرمز کردن نخ‌ها استفاده نکنند. در مرحله بعد، به بافندگان پارچه، حریر، کلاه

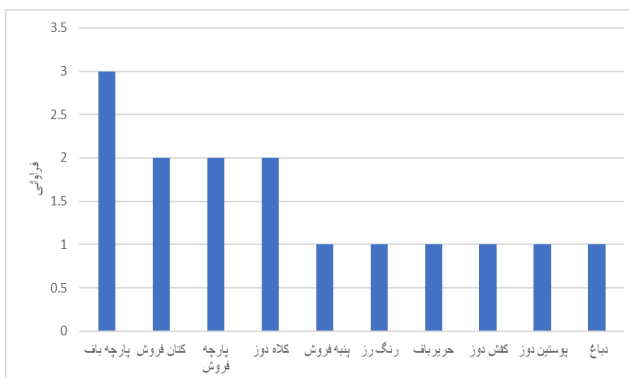
۱. روناس گیاهی است که ریشه آن دارای ماده رنگی به نام جوهر روناس می‌باشد و برای رنگرزی

و کفش سفارش می‌کردند که رشته نخ‌های مشتری را با یکدیگر عوض نکنند و در تمام مراحل بافت پارچه دقت کنند تا بافت محکمی داشته باشند^۱ و با پاشیدن آرد و گچ ظاهرسازی نکنند. (شیزری، ۱۳۸۱/۱۴۲۴: ۲۵۰)

ناظران حکومتی همچنین به دوزندگان کلاه، کفش و پوستین توصیه می‌کردند که اجناس قدیم و جدید را در یک ردیف نگذارند و اجناس قدیم را با نام جدید در معرض فروش قرار ندهند تا خریداران فریب نخورند. (ابن اخوه، ۱۳۴۷: ۱۴۰) همچنین به کلاه‌فروشان سفارش می‌کردند پارچه‌های مورد استفاده جهت تهیه کلاه را نشاسه و صمغ نزنند تا خریداران فریب ظاهر اجناس نخورند. سپس به کفش‌دوزان توصیه می‌کردند که در هنگام دوخت، پوست کهنه را با پوست تازه ترکیب نکنند و در هنگام فروش نیز کفش‌های کهنه تعمیر شده را با عنوان کفش جدید به فروش نرسانند. (ابن بسام، ۱۳۸۱/۱۴۲۴: ۳۴۹)

بر اساس تعداد مصادیق اخلاقی حاصل شده در آثار محاسبان، فراوانی مؤلفه دروغ‌گویی در این گروه شغلی، به ترتیب در پارچه‌باف ۳، کتان‌فروش، پارچه‌فروش و کلاه‌دوز ۲ و پنبه‌فروش، رنگ‌رز، حریرباف، کفش‌دوز، پوستین‌دوز و دباغ ۱ مصداق است. (نمودار ۴)

محاسبان جهت مقابله با این رذیله اخلاقی، با زبان نرم صاحبان حرف گروه پوشاکی را از انجام چنین کارهایی منع می‌کردند تا با صداقت و راستگویی با خریداران رفتار کنند. در منابع اطلاعات بیشتری در مورد اینکه میزان برخورد با صاحبان حرف دروغ‌گوی این گروه شغلی تا چه اندازه بوده است، یافت نشده است. به نظر می‌رسد که در حد توصیه اخلاقی بوده است.



(نمودار ۴): فراوانی

مؤلفه دروغ‌گویی در

گروه پوشاکی

^۱ . چنانکه برخی از بافندگان پارچه جهت فریب خریداران، فقط روی پارچه محکم می‌بافتند و در دیگر قسمت‌ها دقت نمی‌کردند.

کم‌فروشی

کم‌فروشی، اخلاق ناپسندی است که از خودخواهی افرادی سرچشمه می‌گیرد که می‌خواهند با تصرف حق دیگران، خود را توانمند ساخته و از راه خلاف به سودهای کلان دست یابند. کم‌فروشی یا تطفیف، به معنای کم گذاشتن در پیمانه یا وزن و ارائه خدمات کمتر از میزان یا معیار مقرر شده، می‌باشد. (طبرسی، ۱۳۷۰/۱۴۱۲، ج ۱۰: ۶۸۶)

محتسبان جهت جلوگیری از این رذیله اخلاقی به صاحبان حرف این گروه شغلی توصیه‌های لازم را می‌کردند تا از انجام کارهایی که باعث ضرر و زیان به خریداران می‌شود، پرهیز کنند. چنانکه به پنبه‌فروشان توصیه می‌کردند پنبه‌ها را در جای سرد قرار ندهند و حلاجان نیز با یکبار حلاجی، پنبه را وزن نکنند. چرا که اینکار موجب افزایش وزن پنبه بیش از وزن واقعی می‌گردد و از مقدار خالصی پنبه کاسته می‌شود. سپس به حریربافان و خیاطان نیز توصیه می‌کردند جهت سنگینی وزن حریر، به آن زیتون یا نمک نزنند. (ابن‌بسام، ۱۳۸۱/۱۴۲۴: ۳۲۴؛ ابن‌اخوه، ۱۳۴۷: ۱۳۹، ۱۴۱)

بر پایه اطلاعات به دست آمده از آثار محتسبان، فراوانی این مؤلفه در حرفه‌های پنبه‌فروشی، حلاجی، حریربافی و خیاطی هر کدام یک مصداق است. (نمودار ۵) در منابع همچنین اطلاعاتی در مورد نحوه برخورد محتسب با چنین صاحبان حرفی یافت نشده است. به نظر می‌رسد که آن‌ها جهت مقابله با این رذیله با زبان نرم صاحبان حرف این گروه شغلی را از انجام چنین کارهایی منع کرده‌اند.

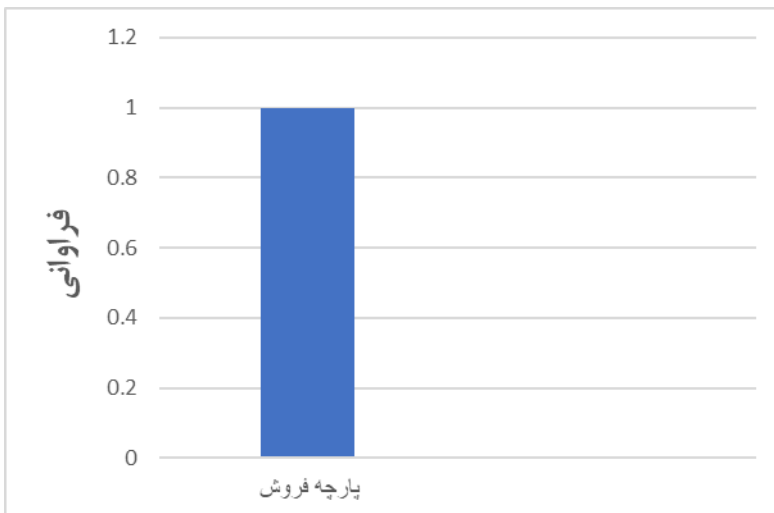


نمودار (۵): فراوانی کم‌فروشی در گروه پوشاکی

احتکار

احتکار از ریشه حکر به معنای نگه داشتن و انبار کردن مواد مورد احتیاج مردم می‌باشد. (ابن منظور، ۱۳۷۲/۱۴۱۴، ج ۴: ۲۰۸) عوامل طبیعی همچون خشکسالی، سیل، زلزله باعث افزایش تقاضا و افزایش نرخ‌ها می‌گردد، که با مدیریت والیان و حاکمان قابل کنترل است. اما احتکار از خودخواهی برخی از صاحبان حرفی سرچشمه می‌گیرد که به انگیزه افزایش قیمت، با انبار کردن کالا موجب عدم تعادل عرضه و تقاضا و در نهایت کمبود کالا و افزایش قیمت می‌گردند.

احتکار در گروه پوشاکی به این صورت بود که برخی از پارچه‌فروشان، پارچه‌های تولیدی صحرانشین‌ها را یکجا خریداری و نگهداری می‌کردند و به تدریج به فروش می‌رساندند. (ابن‌اخوه، ۱۳۴۷: ۱۳۴) این امر موجب می‌گردید تا تقاضا برای این نوع پارچه‌ها افزایش یابد و قیمت آن بالا رود. (نمودار ۶) ناظران اجتماعی جهت مقابله این رذیله اخلاقی، به دقت مغازه‌های آن‌ها را بازرسی می‌کردند و سفارش می‌کردند که از انجام چنین کارهای ناروایی پرهیز کنند. در منابع اطلاعاتی در این مورد برخورد سخت محتسب با صاحبان حرف این گروه شغلی یافت نشده است.



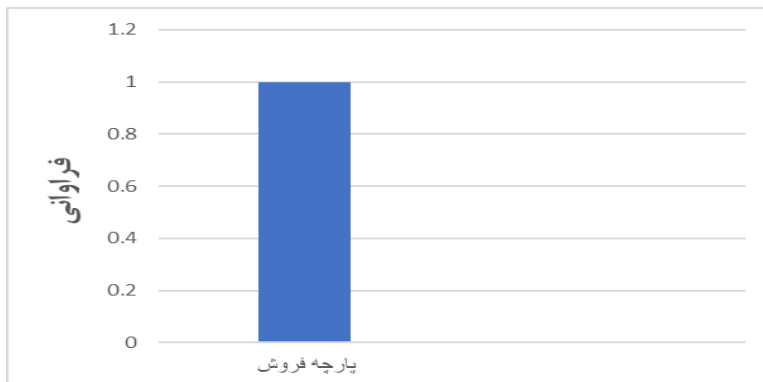
نمودار (۶): فراوانی مؤلفه احتکار در گروه پوشاکی

ربا

واژه ربا از ریشه «ربو» گرفته شده است. این واژه به معنی بلندی، تپه، ورم کردن و فزونی و در اصطلاح نیز به معنی چیزی فراتر از اصل مال گرفتن است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲/۱۳۷۰، ج ۱: ۵۰۹) رباخواری در بردارنده مصداق متعددی همچون گرفتن سود قرض، معاوضه دو جنس شبیه، هم پیمانه و هم وزن یکدیگر اما یکی را بیشتر قیمت گذاری کردن، درخواست مزدی فراتر از ارائه خدمت می باشد؛ که منشأ بسیاری از رذایل اخلاقی دیگری همچون تبعیض طبقاتی، عدم همکاری، همدردی، غرور و خودخواهی می گردد. (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳/۱۳۶۱، ج ۸: ۴۵۱)

در گروه پوشاکی، پارچه فروشان نباید پارچه ها را بیش از ارزش واقعی شان به فروش می- رساندند و پارچه هایی را که نسبه می دادند بر قیمت آن می افزودند و پارچه های نقد ده درهمی را بیست درهم حساب می کردند. (ابن اخوه، ۱۳۴۷: ۱۳۴) بر اساس یافته های پژوهش در آثار محتسبان، فراوانی این مؤلفه در حرفه پارچه فروشی یک مصداق است. (نمودار ۷)

محتسبان بیش از سایر حرفه های این گروه شغلی، به پارچه فروشان توصیه می کردند جهت جلوگیری از افتادن در دام ربا، احکام خرید و فروش را بدانند تا در معاملات دچار شک و تردید نشوند و کار حرامی را انجام ندهند. اما با این وجود بیشترین مصادیق این رذیله اخلاقی متعلق به همین گروه می باشد. محتسب جهت مقابله با آن ها سعی می کرد آگاه سازی کند و آن ها را از انجام چنین کارهای ناروایی بازدارد. نویسندگان با بررسی منابع مختلف در جستجوی اطلاعات بیشتری در مورد نحوه برخورد محتسب با پارچه فروشان رباخوار بوده اند، اما اطلاعات چندانی در این زمینه به دست نیآورده اند.



(نمودار ۷): فراوانی مؤلفه ربا در گروه پوشاکی

نتیجه

اخلاق حرفه‌ای به عنوان عاملی جهت نظم بخشیدن به اقتصاد بازار مورد توجه تمدن‌های مختلف بوده است. در تمدن اسلامی از همان ابتدا، توصیه‌های اخلاقی برای بازار و نظم آن وجود داشت. پیامبر (ص) و سپس خلفای راشدین هرچند به تبعیت از آن حضرت در قالب امر به معروف و نهی از منکر بر رفتار صاحبان حرف نظارت می‌کردند و آن‌ها را با وظایف شغلی‌اشان آشنا می‌ساختند، اما به دلیل محدود بودن جمعیت مدینه‌النبی و ساده بودن حرفه‌ها، شکل پیچیده‌ای از بازار به وجود نیامد که بتوان در آن دوره اخلاق حرفه‌ای مدون و پیچیده‌ای یافت. با فتوحات اسلامی و سرازیر شدن ثروت به تمدن اسلامی، امکان توسعه شهرها، تخصصی شدن کارها و توسعه بازارها فراهم گردید. این موضوع هرچند باعث رشد و شکوفایی اقتصادی گردید. لیکن به علت عجله اعراب مسلمان شده به کشورگشایی پیش از تربیت کامل دینی و مهاجرت صاحبان حرف ملل مختلف با اخلاق‌های متفاوت به جامعه اسلامی، باعث ایجاد نوعی ناهمگونی و بی-نظمی در بازار گردید.

پس از تثبیت فتوحات در عصر عباسیان، لزوم برقراری نظم و آرامش در این مکان، منجر به ضرورت‌یابی اخلاق حرفه‌ای جهت انتظام بخشیدن به بازار گردید. خلفای این عصر جهت تنظیم و انطباق روابط اقتصادی با اخلاق اسلامی، به تدابیری اقدام کردند. تأسیس نهاد نظارتی دارالحسبه یکی از عکس‌المعمل‌های این حکومت بود که البته تا پیش از این در جامعه اسلامی شکل یافته بود، لیکن در این زمان شکل ساختارمندی به خود گرفت.

نظارت بر رفتار صاحبان حرف فعال در بازار یکی از گسترده‌ترین وظیفه نظارتی محتسبان به شمار می‌رفت. صاحبان حرف صنف پوشاکی از جمله گروه‌های شغلی در بازار این عصر بودند که پس از صنف غذایی، بیشترین تعداد حرفه و نظارت را به خود اختصاص داده بودند. لزوم بررسی صنف پوشاکی و اهرم‌های نظارتی بر این قسمت از بازار اسلامی دغدغه نویسندگان این پژوهش بود و تلاش گردید در همین راستا به صورت کمی و کیفی به بررسی مؤلفه‌های اجباری و سلبی اخلاق حرفه‌ای در صنف پوشاکی در آثار محتسبان گزیده شده در عصر عباسی پرداخته شود. در این مسیر با بررسی در کتب اخلاق حرفه‌ای و نیز آثاری که به موضوعات اقتصادی و نظارتی در این دوره از تاریخ اسلام پرداخته اند، دستاوردهایی حاصل شد که به مهمترین آن‌ها اشاره می‌گردد.

- نهاد حسبه، امر نظارت بر صنف پوشاکی را با دو راهکار اجباری (امر به معروف) و سلبی (نهی از منکر) انجام می‌دادند. در راهکار اجباری امانت‌داری، مسئولیت‌پذیری و اخلاق پسندیده، سه مؤلفه مهم اخلاقی به شمار می‌رفت که محتسب، صاحبان حرف این صنف را به رعایت آن

توصیه می‌کرد. در این راهکار مسئولیت‌پذیری بیش از امانتداری و اخلاق پسندیده مورد توجه بوده است. در راهکار سلبی نیز پرهیز از دروغ‌گویی، کم‌فروشی، احتکار و رباخواری نیز به ترتیب مورد توجه محتسب بوده است. برخی از صاحبان حرف که از اقوام و ملل مختلف با آداب اخلاقی متفاوت در کسب و کار بودند، نیاز به راهنمایی بیشتر داشتند تا بتوانند مطابق و هماهنگ با مبانی دین اسلام رفتار کنند. در این مرحله محتسب سعی می‌کرد با زبان نرم و لطیف صاحبان این صنف را از انجام کارهای ناروا منع کند.

- با توجه به تعداد مصادیق یافت شده در متون حسبه در این برهه تاریخی، تعداد مصادیق یافت شده در دسته راهکار ایجابی و تشویق صاحبان حرف به وظایف و مسئولیت‌هایشان ۲۹ و در گروه سلبی ۲۱ مورد است. این امر نشانگر این است که نهادهای نظارتی بر اخلاق حرفه‌ای در صنف پوشاکی بر تشویق صاحبان حرف بیشتر تأکید داشته‌اند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. _____، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
۲. ابن الجعد، علی بن الجعد بن عبید الجوهری (۱۹۹۰). مسند ابن الجعد، محقق عامر احمد حیدر، بیروت، مؤسسه نادر.
۳. ابن‌اخوه، محمد بن محمد بن احمد (۱۳۴۷). آیین شهرداری، ترجمه جعفر شعار، تهران. چاپخانه داورپناه.
۴. ابن‌بسام، محمد بن احمد (۱۴۲۴/۱۳۸۱). نهایه‌الرتبه فی طلب الحسبه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵. ابن‌سعد، محمد (۱۴۱۴/۱۳۷۲). طبقات الکبری، تحقیق محمد بن صامل السلمی، طائف، مکتبه الصدیق، جلد ۲.
۶. ابن‌منظور، محمد بن مکرم بن علی (۱۴۱۴/۱۳۷۲)، لسان‌العرب، بیروت، دارصادر، جلد ۱۱، ۴.
۷. انصاف‌پور، غلامرضا (۱۳۵۶). ساخت دولت در ایران (از اسلام تا یورش مغولان)، تهران، امیرکبیر.
۸. اینز، مارتین (۱۳۹۶). درک کنترل اجتماعی: انحراف، جرم و نظم اجتماعی، مترجم نبی اله غلامی، تهران، میزان.
۹. باقری، مسلم، اصغری جهرمی، سمانه، پورمولا، سیدمحمدهاشم (۱۳۹۶). "تبیین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک فعل اخلاقی همگانی در سازمان‌ها"، مجله اندیشه مدیریت راهبردی، سال یازدهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۲۲، صص ۱۱۶-۸۳.
۱۰. پرهیزگار، محمد مهدی، حسینی، روح‌اله (۱۳۹۸). اخلاق و احکام کسب و کار، تهران، دانشگاه پیام نور.
۱۱. حسن، ابراهیم حسن (۱۳۳۸). تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، کتاب-فروشی اسلامیه.
۱۲. خاکرند، شکرالله (۱۳۹۰). سیر تمدن اسلامی، قم، بوستان کتاب.
۱۳. راغب‌اصفهان‌ی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۱۲/۱۳۷۰). المفردات فی غریب القرآن، دمشق، بیروت، دارالقلم-دارالشامیه، جلد ۱.
۱۴. زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۹). تاریخ اسلام، تهران: سمت.

۱۵. زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۴). تاریخ صدر اسلام، تهران، سمت.
۱۶. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳). تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر.
۱۷. سقطی، محمد بن ابی محمد (۱۹۳۱). آداب الحسبه، محقق لیفی بروفنسال - کولان، پاریس، مطبعه ارنست لورو.
۱۸. شیخلی، صباح ابراهیم سعید (۱۳۶۲). اصناف در عصر عباسیان، ترجمه هادی عالمزاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۹. شیرزی، عبدالرحمن بن عبدالله (۱۴۲۴/۱۳۸۱). نهاییه الرتبه فی طلب الحسبه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۰. طبرسی، ابوعلی حسن بن فضل (۱۴۱۲/۱۳۷۰)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، جلد ۱۰.
۲۱. طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲). تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
۲۲. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد (۱۳۸۶). احیاء علوم الدین، ترجمه مؤیدالدین خوارزمی، تهران، علمی و فرهنگی، جلد ۲.
۲۳. فرخی، یزدان؛ ناصری، سمانه (۱۳۹۴). "پژوهشی درباره پیشه‌وران و تقلب‌های شغلی آن‌ها بر اساس معالم‌القریه فی احکام الحسبه"، مطالعات تاریخ اسلام، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۱۰۶-۷۳.
۲۴. فقیهی، علی اصغر (۱۳۵۷). آل بویه و اوضاع زمان ایشان، تهران، چاپخانه گیلان.
۲۵. قراملکی، احدفرامرز (۱۳۸۸). اخلاق حرفه‌ای در تمدن اسلام و ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲۶. قلقشندی، احمد بن علی (بی‌تا). صبح الاعشی فی صناعه الانشاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، جلد ۵.
۲۷. گراوند، مجتبی؛ یگانه، هدیه (۱۳۹۳). "بررسی و تحلیل کارکرد نهاد حسبه در جامعه اسلامی تا پایان عصر عباسیان"، نشریه روزگاران، سال دوازدهم، شماره ۱۱، صص ۴۲-۲۱.
۲۸. محقق اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳/۱۳۶۱). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان، قم، النشر الاسلامیه لجامعه المدرسین، جلد ۱۲، ۸.
۲۹. مکی، محمد کاظم (۱۳۹۸). تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، تهران، سمت.

۳۰. ملک، هادی (۱۳۹۷). اخلاق حرفه‌ای، تهران، انتشارات لوح محفوظ.
۳۱. منتظری، غلامرضا (۱۳۸۷). "دیوان حسبه و شرایط احراز آن در عصر عباسیان"، نشریه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۱۷، صص ۱۲۶-۱۱۱.
۳۲. نراقی، محمد مهدی (۱۴۰۹)، جامع السعادات، بیروت، اعلمی
۳۳. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۸۲). تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.